

دکتر سید علی شایگان

فاجعه سی ام تیر

صفحه‌ای از تاریخ پرافتخار ملت ایران

مخالفین دکتر مصدق و جبهه ملی بوسیله فوای نظامی و دخالت‌های ناروای دیگر چند کرسی نمایندگی مجلس هفدهم را غصب کرده بودند. دسته غاصبین نمایندگی از کهنه کاران بدنام و سه‌چهار نفر تازه‌وارد تشکیل میشد. بارزترین صفت تازه واردها خشونت بی‌شرمی بی‌حد و حصر و وقاحت بی‌اندازه بود. مخالفین از بین این و کلای تحمیلی یکی را برای ریاست مجلس «علم کرده» بنا تطمیح و تهدید، مخصوصاً با تفرقه انداختن درجبهه ملی و نسبت دادن اقدامات خود بمقامات عالی، توانستند او را بکرسی ریاست بنشانند. پس از این فتح و فیروزی تصور کردند موقع آن رسیده که مصدق را کنار بزنند و نهضت ملی ایران را خاموش نموده دوباره علی رغم ملت ایران و بمراد دل بیگانگان بساط سابق را یهن کنند و درمقابل تسلیم منابع ثروت ملی و استقلال و آزادی مملکت باجانب، باز، وزارت و وکالت و مقامات دیگر را احراز، و در نتیجه تمام عایدات دولت را بین خود و اعوان و انصار خود تقسیم نمایند.

صبح پنجشنبه ۲۶ تیر خیر رسید که دیشب دکتر مصدق استعفا داده‌است. باچند تن از اعضاء جبهه ملی بمنزل دکتر مصدق رفتیم که ازچگونگی کار اطلاع پیدا کنیم. پس از ملاقات معلوم شد در شرفیابی روز چهارشنبه که سه ساعت و نیم طول کشیده، دکتر کابینه خود را معرفی کرده، و در سر وزارت جنگ اختلاف نظر حاصل شده، و در نتیجه بین ساعت هشت‌ونو بعداز ظهر بنا برقرار قبلی دکتر، استعفای خود را با ذکر علت بمضمون ذیل تقدیم داشته است:

« ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ »

« پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی »

« چون در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق بدست آمده بيشرفت کار در این موقع حساس »
« ایجاب میکند که بست وزارت جنگ را فدوی شخصاً عهده‌دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه »
« واقع نشد البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و »
« بتواند منویات شاهانه را اجراء کند. با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه‌ای را که ملت ایران شروع »
« کرده است پیروزمندانه خاتمه دهد. فدوی دکتر محمد مصدق »

از منزل دکتر مصدق بمجلس آمدیم. رئیس بی‌تدبیر مجلس نامه بی‌امضائی را که بعد معلوم شد باخط خوش روی کاغذ نشان‌دار دربار نوشته شده بود قرائت کرد. مضمون نامه این بود که چون دکتر مصدق میخواست وزارت جنگ را شخصاً بعهده گیرد و اعلیحضرت بملت فرماندهی کل قوی و عنایت خاصی که بقشون دارند میخواستند آن وزارت تحت نظر خود ایشان باشد دکتر مصدق باین امر رضا نداده و استعفا کرده است، اینک اعلیحضرت منتظر رأی تمایل مجلس هستند.

این نامه با اصطلاح این ایام مثل بمب‌صدا کرد. من می‌اندازه بر آشفتم و بر فیک کنار دست خود گفتم رئیس مجلس و با وزیر دربار و با هر دو خطای بزرگی مرتکب شده‌اند، زود باید در صند ترمیم بر آئیم و هر نوع مذاکراتی در این باب در جلسه خصوصی مضر بحال مملکت است. فوراً یکی دیگر از اعضای جبهه ملی تقاضا کرد جلسه خصوصی تعطیل شود تا در این باب نمایندگان در فرا کسیونهای خود بحث کنند و بعد مجدداً جلسه خصوصی تشکیل و تصمیم اتخاذ شود.

فرا کسیون وطن، یعنی فرا کسیون جبهه ملی، از چند روز قبل تصمیم گرفته بود فرا کسیون جدیدی که طرفداران جبهه ملی هم در آن شرکت کنند تشکیل دهد. قبل از پنجشنبه هم بر طبق دعوتی که از طرف اینجانب شده بود قریب سی نفر از نمایندگان تشکیل جلسه داده و در این باب مذاکرات بعمل آورده بودند حتی مرام و نظام فرا کسیون هم مجامعاً در بحث قرار گرفته بود (فرا کسیون وطن پس از منضم شدن اعضاء جدید، فرا کسیون نهضت ملی نامیده شد).

با این سابقه طبیعی بود که در اینموقع (صبح پنجشنبه) همان اشخاص یعنی نمایندگان جبهه ملی و طرفداران آنها بعنوان فرا کسیون اجتماع کنند و در مسئله روز که استعفای دکتر مصدق و نامه منتسب بدربار بود بحث نمایند.

بنده بتفصیل نظر خود را در باره نامه مزبور و عواقب وخیم آن برای مشروطیت ایران در فرا کسیون بیان کردم و اصول مختلفه متمم قانون اساسی از قبیل اصول سی و نه - چهل و چهار - چهل و پنج - پنجاه و هفت - شصت - شصت و یک - شصت و چهار - شصت و هفت را یاد آور شده اظهار داشتم شاه دمکرات منش ایران که، علاوه بر اینکه در پیشگاه مجلس شورای ملی بحفظ قانون اساسی قسم خورده، مکرر خود را پیرو آن اصول معرفی نموده ممکن نیست در امر حکومت مسئولیت قبول کند و بگوید وزارت جنگ را خود تحت نظر میگیرم و با وضع استثنائی برای آن قائل شود. بعلاوه همگی ما معتقدیم که در اوضاع فعلی جز دکتر مصدق کسی نمیتواند ریاست دولت را بعهده بگیرد. این دو مطلب که مبسوطاً مورد بحث قرار گرفت از طرف اعضاء فرا کسیون تأیید و قرار شد نظر فرا کسیون را آقای حاج سیدجوادی نماینده قزوین و اینجانب با اطلاع سایر فرا کسیونها برسانیم. ما دونفر هم بهمین نحو عمل کردیم یعنی در سایر فرا کسیونها حاضر شدیم و عقیده فرا کسیون نهضت ملی را بیان کردیم.

پس از اتمام این مأموریت بفرآ کسیون خود برگشتیم و برای اینکه ابهامی در کار نباشد و اشتباه و نسبانی پیش نیاید اعلامیه‌ای بمضمون ذیل بامضاء فرا کسیون رسید:

« ما امضاء کنندگان ذیل نمایندگان مجلس شورای ملی در تأیید سوگندی که برای حفظ مبانی مشروطیت در مجلس شورای ملی یاد کرده ایم و بعلمت اینکه معتقدیم در شرایط فعلی ادامه نهضت ملی جز با زمامداری دکتر مصدق میسر نیست متعهد میشویم با تمام قوای خود و با کلیه وسائل از دکتر محمد مصدق پشتیبانی نمائیم.»

در این ضمن خبر رسید که سایر فرا کسیونها موضوع نامه منتسب بدربار و مخالفت آن با قانون اساسی و عواقب وخیمه این عمل را کنار گذاشته مشغول دوندگی برای جمع کردن رأی برای آقای احمد قوام هستند، و برای این منظور تمام مساعی خود را بکار میبرند، از جمله يك نفر در بین نمایندگان تبلیغ میکند که علت استعفای دکتر مصدق موضوع وزارت جنگ نیست بلکه دکتر چون نمیخواهد

نخست وزیری را قبول کند این مطلب را بهانه قرارداد داده و میخواید باین ترتیب شانه از زیر بار مسئولیت خالی کند. این حیلہ در بسیاری از نمایندگان تازه کار مؤثر واقع شد، حیلہ دیگری که طرفداران قوام برای درهم شکستن فراکسیون ما بکار بردند این بود که ما بگویند یکی از خود شما داوطلب نخست وزیری بشوید و همگی باو رأی میدهیم و اسم سه چهار نفر از ما را هم سرزبانها انداخته بودند ولی مطلب از اول معلوم بود و این حیلہ کارگر نیفتاد.



اعضاء فراکسیون نهضت ملی روز پنجشنبه نهار را در حوضخانه مجلس صرف کردند. رئیس مجلس جلسه خصوصی را برای ساعت ۵ بعد از ظهر دعوت کرده بود، با وجود این چون شنیده شد که مخالفین ترتیبات کار خود را داده و میخوایند جلسه رسمی سری تشکیل دهند و قبل از هر گونه بحثی رأی تمایل بگیرند و کاندید خود را تعجب کنند، احتیاطاً ۱۵ نفر از ما تقاضای جلسه خصوصی کردیم که غافلگیر نشویم، منظور ما از جلسه خصوصی این بود که در آنجا اشکالات کار و عقاید نمایندگان معلوم شود و بعد رأی تمایل بگیرند.

در حدود ساعت ۵ نمایندگان مخالف دکتر مصدق با مواضعه بارتیس بمحل جلسه رسمی رفتند و با اصرار تام و تمام میخواستند اعضاء فراکسیون نهضت ملی را هم بانجا بکشند تا عده نمایندگان بعد نصاب جلسه رسمی برسد و کار را بروق مراد خود انجام دهند. نمایندگان فراکسیون نهضت ملی از رفتن ب جلسه رسمی امتناع کردند و در محل جلسه خصوصی اجتماع نموده تحت ریاست مهندس رضوی نایب رئیس مجلس جلسه خصوصی تشکیل دادند. در این ضمن دو واقعه قابل ذکر است:

یکی این که سه نفر - یعنی آقایان رفیع و ملک مدنی و گنجی - از طرف نمایندگان که در جلسه رسمی حضور یافته بودند برای دعوت ما ب جلسه رسمی ب جلسه خصوصی آمدند که وقتی ما خواستیم اشکالات کار را بیان کنیم آنها چون کار را خاتمه یافته میدانستند وسط صحبت ما برخاسته نزد رفقای خود ب جلسه سری رفتند و برخلاف سنن پارلمانی رأی تمایل گرفتند و آقای احمد قوام فوراً بوسیله رئیس مجلس بمعاون نخست وزیری شاه معرفی شد.

واقعه دیگر اینکه از طرف فراکسیون ما بتر بار تلفن شد که وقت شرفیابی برای پنج نفر یعنی آقایان مشار و حاج سید جواد و یارسا و کریمی و اینجناب بخواهند. وزیر دربار جواب داده بود چون فعلاً رأی تمایل داده شده ملاقات موضوع ندارد. ولی با اصرار، رفقای ما توانستند برای روز شنبه ساعت ۱۱ اجازه شرفیابی حاصل کنند. انتخاب ساعت ۱۱ برای این بود که تا آن ساعت سه ما رأی تمایل داده و مجال بحث نمانده باشد. ولی آقای قوام منتظر رأی سنا نشده خود را نخست وزیر دانست و آن اعلامیه را که همه شنیده اند توسط رادیو طهران روز جمعه منتشر کرد.

عصر پنجشنبه جریان آنروز در ضمن اعلامیه ای از طرف فراکسیون نهضت ملی بمضمون ذیل با اطلاع مردم رسید:

«ملت ایران از جریانات و علت استعفای جناب دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی ایران و حافظ»
 «مناقص شما اطلاع حاصل کرده اید و ضمن اعلامیه جداگانه سابقاً گوشرد ملت ایران شد که دسائسی»
 «در کار است تا آتش مقدس ملی را در کانون سینه های ملت خاموش کنند.»
 «امروز بعد از ظهر پس از اعلام استعفای نخست وزیر بملتی که در استعفانامه ایشان ذکر»
 «شده است بر طبق قانون از رئیس مجلس تقاضای جلسه خصوصی شد که قبل از رأی تمایل اهمیت»

- « موقع و لزوم حفظ قانون اساسی را بسمع سایر نمایندگان برسانیم . متأسفانه رئیس مجلس با «
 « وجودی که رسماً دعوت برای جلسه خصوصی نموده بود از تشکیل جلسه خودداری کرده »
 « برخلاف قانون اساسی و سنن پارلمانی در جلسه‌ای مرکب از ۴۲ نفر که کمتر از حد نصاب «
 « قانونی میباشد اخذ رأی تمایل نمود . »
 « چون قانون اساسی و نهضت ملی ایران در خطر است ما با توکل بخدای متعال ببازره «
 « و ادای وظیفه نمایندگی مشغول هستیم و امیدواریم شما هم در این موقع باریک بیدار و مراقب «
 « جریان باشید و یأس بخود راه ندهید . »



صبح شنبه موقع ورود بمجلس نمایندگان اقلیت دوره شانزدهم در محوطه مجلس دیده میشدند معلوم شد برای تجلیل از ارباب جرائدی که بزعم خود در اثر حکومت قوام آزادی و امنیت را برای خود و ملت ایران بدست آورده و میخواهند از تحصن خارج شوند در آنجا حضور یافته‌اند بدین ترتیب تحصن آقایان در آنروز میمون ! خانه یافت .

صبح شنبه ساعت ۱۱ پنج نفر نمایندگان که روز پنج شنبه تعیین شده بودند شرفیاب شدند . قرار شد ابتدا بنده بیان مطلب کنم . شرح مفصّلی در اینکه خیر و صلاح اعلیحضرت در همین است که بیوسه دمکرات‌منش باشند و جانب مردم را نگاهدارند و بگفته اطرافیان خود که دائماً میل دارند در حق مردم سعایت کنند و شاه را از ملت جدا سازند وقتی ننهند بیان کردم ، و عواقب وخیم جدائی از ملت را یاد کر چگونگی حال و سرنوشت اعلیحضرت فقید مجسم نمودم ، و مسامی اعلیحضرت را که در جلب توجه مردم بکار برده اند ستودم ، و مخصوصاً دو مطلب را روشن کردم : یکی اینکه با سوابق کار و رفتار اعلیحضرت همایونی فرستادن چنین پیامی بمجلس بعید بنظر میرسد و قابل قبول نیست و حتماً اطرافیان بیانات اعلیحضرت را بد تمییز کرده‌اند ، و دیگر اینکه رأی تمایل طبیعی نبوده و روی اعمال نفوذ و دسیسه کاری و عدم رعایت قواعد و سنن پارلمانی انجام گرفته است والا محال است که با وضع حاضر نمایندگان ملت در مقابل د کتر مصدق بدیگری رأی تمایل بدهند ، و بزعم خود درست برایشان روشن کردم که این عمل یعنی پیام منسوب بشاه و رأی تمایل مضر بحال مملکت و وجهه شخصی شاهست و ممکن نیست مردم باین اوضاع تسلیم شوند . اعلیحضرت فرمودند پیام من جز استعفای دکتر مصدق و خواستن رأی تمایل چیزی نبوده و با این بیان هر گونه سوء تفاهمی را مرتفع فرمودند ولی در باب رأی تمایل و مشکلاتی که در آینده ممکن است پیش آید امر را بمجلس و دولتی که اطرافیان ، آنرا با اعلیحضرت دولت قانونی معرفی کرده بودند موکول فرمودند .

مطالب دیگری هم از طرف هیئت نمایندگان بمرض رسید از جمله هوشیاری مردم و علاقه بشخص شاه و سوء انتخاب رئیس دولت و غرض ورزی یا نادانی اطرافیان اعلیحضرت که خیر و مصلحت شاه را در نظر نمیگیرند و بسیاری مطالب دیگر . هیئت نمایندگان کی ۲۰ دقیقه بعد از ظهر از حضور شاه مرخص شدند . بنا بر این ملاقات یکساعت و بیست دقیقه بطول انجامید . پس از حضور در مجلس مطالب عیناً با اطلاع فرا کسیون نهضت ملی رسید .



روزیکشبه را که روز رسمی تشکیل جلسه است رئیس مجلس برخلاف معمول تعطیل کرد که بنمایندگان مخالف قوام برای بیان مطالب فرصت داده نشود .
 فرا کسیون تصمیم گرفت مردم را برای اعتراض باین اوضاع دعوت بتمایل عمومی کند و اعلامیه

« ملت رشید ایران »

« چون از تمام نقاط کشور بوسیلهٔ تلگراف و تلفون و نامه و فرستاده های مخصوص نسبت
 « بحریان های نامطلوب و غیر قانونی چند روزهٔ اخیر سؤال شده است امضاء کنندگان ذیل امروز »
 « صبح در مجلس شورای ملی مجتمع شده پس از بررسی اوضاع حاضر چنین اظهار نظر مینمایند .
 « برای اعلام این نکتهٔ اساسی بجهانبان که نهضت ملی ایران بهیچ دسیسه و نیرنگ خاموش »
 « شدنی نیست و ملت قهرمان ایران هرگز مقهور دخالت های استقلال شکنانهٔ بیگانگان نخواهد شد »
 « و تا حصول نتیجهٔ قطعی در احقاق حق و رهایی کشور از چنگال سیاست های استعماری استقامت »
 « خواهد کرد روز دوشنبه ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱ در سراسر کشور تعطیل عمومی اعلام میشود . امیدواریم »
 « هموطنان عزیز که همگی طرفدار قیام حقیقی ملت و ادامهٔ مبارزه در راه نجات مملکت میباشند »
 « با نهایت آرامش و متانت در این جنبش ملی شرکت نمایند .
 « بدیهی است نمایندگان شما نیز از ادای وظیفهٔ حقیقی نمایندگی غفلت نخواهند داشت .
 « بعد نیز جریان اوضاع باستحضار ملت ایران خواهد رسید . »

خبر استعفای مصدق با وجود اینکه همه قسم وسائل جلوگیری از انتشار آنرا فراهم کرده بودند
 سرعت برق منتشر شد و از ساعت ۱۱ روز پنجشنبه ۲۶ تیر تعطیل عمومی در سراسر کشور آغاز
 گردید و مساعی طرفداران قوام و حکومت نظامی و پلیس در جلوگیری از آنها به نتیجه ای نرسید و روز
 شنبه تقریباً تعطیل عمومیت داشت و یکشنبه تعطیل بیشتر تمیم یافت و مردم همه جا بغیابانها آمدند و
 با نظم تمام اظهار احساسات میکردند . این جمله بر دولتها گران آمده از همان روز یکشنبه بضر
 و جرح مردم شروع نمودند .

روز یکشنبه این اخبار متوالیاً بفراکسیون میرسید و حتی بتواتر رسید که بروی مردم تیراندازی
 میکنند . در نتیجه تلگرافی بمضمون ذیل و بامضاء امضاء فراکسیون باعلیحضرت همایونی مخابره شد :

« اعلیحضرتا مردم ایران را بجرم وطن پرستی و نهضت ضد بیگانه عده ای از افراد ارتش »
 « و مأمورین پاره پاره میکنند در سراسر مملکت عدهٔ زیادی مردان شرافتمند و غیور بزدان »
 « تسلیم شده اند . چندین نفر مردان ملی را در معابر عمومی شهید کرده اند و تا این ساعت این جریان »
 « قانون شکنانه ناگوار ادامه دارد .
 « مسلم است که این عمل ناهنجار عواقب وخیمی دربر خواهد داشت . ما نمایندگان ملت »
 « با توکل بخداوند و استفادهٔ کامل از حقوق خود برای دفاع مردم قیام کرده ایم و لازم دانستیم »
 « مراتب را باستحضار مقام سلطنت برسانیم . »

عصر یکشنبه تلگرافی بعنوان جواب بشرح ذیل از طرف دربار رسید :

« مجلس شورای ملی جنابان آقایان شایگان و نریمان و مشار و سایر آقایان نمایندگان »
 « مجلس شورای ملی . تلگراف جنابان عالی بمرض بیشکاه مبارک ملوکانه رسید راجع به قتل اشخاص »
 « و زندانی کردن عدهٔ زیادی خاطر مبارک ملوکانه مسبوق نیست بمحض وصول تلگراف آقایان »

« ابلاغی که لازم بود بجناب اشرف آقای نخست وزیر صادر شد که فوراً باین قضیه رسیدگی نماید و نتیجه را اعلام دارند که بمعرض پیشگاه مبارک شاهانه برسد. »



روزدوشنبه صبح، شهر تهران قیافه شهری که اشغال نظامی شده باشد بخود گرفته بود. همجا مخصوصاً در خیابان های شاه آباد، سعدی، اکباتان، صفی علیشاه، نظامیه، دروازه شمیران، بوذرجمهری، خیام، میدان بهارستان، توپخانه، میدان نجرالدوله کامیونهای سرباز و پلیس و تانکهای شرمین پشت سرهم دیده میشد. بازارها و مغازهها همه تعطیل بود. وسائل نقلیه همگی از کار دست کشیده و حتی کارکنان بی سیم ضمن اعلامیه مختصری اعتصاب خود را بدینا اعلام داشته از ادامه کار امتناع نموده بودند.

مردم عدهای بهت زده و عدهای خشمگین و عصبانی در خیابانها قدم میزدند و صدای «زنده باد مصدق» و «مردم باد قوام» فضای تهران را پر کرده بود. هرچه روز بالا میآمد جمعیت مردم و عصبانیت آنها بیشتر میشد اوضاع و احوال نشان میداد که روز دوشنبه روز انقلاب و خونریزیست. اخبار و لایات مخصوصاً شیراز و اصفهان و تبریز و کرمانشاه و همدان و اراک و رشت و قزوین و آبادان و اهواز حاکی از این بود که در سراسر ایران تعطیل و اعتصاب عمومی است. تلگرافها و طومارها و چلوآرهای امضاء شده از شهرستانها مستقیماً یا توسط نماینده های مخصوص بطهران مثل سیل سرازیر بود. از اغلب شهرها خبر میرسید که مردم قصد دارند بسمت پای تخت حرکت کنند. نمایندگان نهضت ملی بوسیله تلگرافهای حضوری از این اقدام که مشکلات بی اندازه ممکن بود فراهم کند جلوگیری میکردند مع ذلك از مردم دلیر و آزاده همدان و کرمانشاه چندصد نفر کفن پوشیده روز دوشنبه خود را بطهران رسانیدند. عمال دولت مخصوصاً ژاندارمها بین راه نسبت باین افراد فداکار از هیچ نوع شکنجه و آزار دریغ نموده بودند. (روز سه شنبه که عده از آنها در مجلس نمایندگان را ملاقات کردند معلوم شد روزهای قبل آنها را ساعات طولانی گرسنه و تشنه توقیف کرده حتی عدهای را زخمی و مجروح نموده اند. قیافه مردانه یکی از آنها که صورتش از ضرب سرنیزه سوراخ شده بود بیوسته جلو چشم من است). هجوم مردم از خیابانهای شاه آباد و اکباتان و صفی علیشاه و نظامیه بطرف مجلس از ساعت هشت و نیم صبح شروع شد. پلیس هم در نهایت قسوت مردم بی اسلحه و بی پناه را بمسلسل بست. شهرت داشت که رئیس ستاد و حاکم نظامی و رئیس مجلس دستور تیراندازی داده اند.

فراکسیون نهضت ملی که بزحمت خود را بمجلس رسانده بودند در حوضخانه اجتماع کرده مشغول مشورت و چاره جوئی شدند. هر آن از خارج بما خبر شکنجه و آزار و کشت و کشتار میرسید. تأثر و تأسف و خشم و اضطراب ماحد و حصر نداشت. بعضی عنان بدست احساسات داده مانند مادر داغ دیده اشک میریختند. یکی از اعضاء سریع التاثر جنبه ملی بی اختیار بزمین افتاده مثل کسی که در حال غش باشد موی خود را میکند. بعضی پیشنهاد میکردند بر خیزیم و کفن پوشیده میان مردم برویم. عدهای که خون سردی خود را ازدست نداده بودند در صدر چاره جوئی بر آمده رئیس ستاد و حاکم نظامی... که تصور میکردند باید با کشتار مردم بی پناه هنرنمایی کنند و از این راه بزعم خود زمینه ترقیات آتی خود را فراهم سازند مکرر تلفون کردند که بمردم بی اسلحه که فقط ابراز احساسات میکنند و بکسی آزادی نمیرسانند... تیراندازی نکنند و از برادر کشی دست بدارند. خود من با هیچیک از این اعقاب شمر و یزید و بازمندان آتیلا و چنگیز حضوراً یا با تلفون گفتگوئی نکردم ولی دوستان که صحبت کرده بودند جواب سر بالا یعنی الدرهم و بلدرم و میز نیم و میکشیم شنیده بودند دوستان ما هم

شدیداً جواب داده عواقب وخیم اعمال شوم آنها را بآنها گوشزد کرده بودند .

بعضی ب فکر افتادند رئیس مجلس را ملاقات کرده او را بحضور شاه بفرستند که گزارش صحیح اوضاع را بمرض برساند . ظاهرأ در همان اوان مستقیماً هم احضار شده بود ، رئیس با مهندس رضوی نایب رئیس مجلس بقصد سمدآباد حرکت کردند . بمجرد اینکه مردم رئیس را شناخته بودند با فریاد مرده باد « امام لندنی » باتومبیل حمله کرده چند پاره آجر بقصد گشت باو پرتاب نموده بودند ، پاره آجری شیشه اتومبیل را خرد کرده بشانهُ مهندس رضوی خورده بود . مهندس بدین وسیله ثمره همنشینی خود را چشمیده بتجربه دانست که « مصاحبت با بزرگان بی دردسر نیست » .

ناچار اتومبیل بمجلس برگشت و آقای رئیس هم بالاخره ملتفت شد که اوضاع مثل بخت او برگشته است . این حادثه باطلاع فرا کسیون نهضت ملی رسید ، قرار شد بجای رئیس آقایان مهندس رضوی ومشار ودکتر معظمی و اینجناب شرفیاب شویم .

برای اینکه اتومبیل ما شناخته شود باخط درشت روی کاغذی نوشتیم « نمایندگان جبهه ملی » و پشت شیشه جلو اتومبیل چسباندیم . از صبح آنروز همه نمایندگان نهضت ملی پارچه سیاهی بعلامت عزا برسینه دوخته بودند . درموقع خروج اتومبیل از مجلس مهندس حسینی کراوات سیاه خود را باز کرده بعنوان علامت عزا بآتن اتومبیل بست وبدین ترتیب با کمال سهولت از میان انبوه مردم عبور کرده عازم سمدآباد شدیم .

در آنجا بدو نفر از درباریان از شدت خشم و تأثر پرخاش کرده مسؤلیت آنها را در کتمان حقایق از شاه مملکت گوشزد نمودم .

در شرفیابی که بلافاصله انجام گرفت اوضاع شهر طهران وسایر شهرستانها وقساوت وسنگدلی مأمورین ، وشکست نهائی دولت غیرقانونی ، وبیم ترازول اعتبارات مقام سلطنت ، و آنچه لازمه وطن پرستی وخیرخواهی بود بتفصیل بیان شد و برای اینکه از هیچ نکته ای فرو گذار نشده باشد و وجداناً بوظیفه خطیر خود عمل کرده باشیم بمرض رسید که اگر خدای نخواست این اوضاع ادامه پیدا کند ما کسّه نمایندگان ملت هستیم هر نوع مسؤلیتی را در این خصوص از خود سلب میکنیم ودیگر قانوناً وجداناً برای خود تعهدی قائل نیستیم .

قرار شد جواب در ظرف چند ساعت باطلاع نمایندگان ملت برسد .

از کاخ سمدآباد که بسریل تجریش رسیدیم اتومبیل ماشناخته شد ومردم که در میدان آنجا اجتماع کرده بودند از اظهار احساسات محبت آمیز خود بیش از پیش ما را بآینده امیدوار کردند . ساعت دو ونیم بعداز ظهر این خبر را باطلاع رفا که درحوضخانه مشغول ناهار بودند با امیدواری که احساس شده بود رسانیده منتظر جواب شدیم .

ساعت ۵ بعداز ظهر تلفون شد که بجمده الله کار بنفہ ملت خانه یافته و قوام مستغنی شده و تا یکساعت دیگر این خبر رسماً منتشر خواهد شد .

چیزی نگذشت که تازکهای شرم و کامیونهای سرباز و پلیس بسربازخانهها وشهربانی برگشتند و مردم که خود مطلب را احساس کرده بودند از زبان نمایندگان نهضت ملی خبر فتح وفیروزی خود را شنیدند . بعضی از ما برحسب پیش آمد وتصادف بامردم شجاع ومبارز و از خود گذشته طهران رو برو شدیم ودل داغدار وچشم اشکبار واحساسات غم انگیز ومسرت آمیز و تأثر بی انتها وشادی بی پایان خود را با آنها درمیان گذاشتیم وهمه را دعوت بسکوت وسکون وآرامش کردیم .

شب باز شیاطین دست از فساد برنمیداشتند وبعنوان اینکه مردم میخواستند لاله زار و اسلامبول را

غارت کنند میخواستند از نمایندگان نهضت ملی که در حقیقت عهده دار حکومت بودند اجازه حمله بر مردم را بگیرند و با این حمله دست ما را هم بخون منت آغشته کنند ولی حسن تدبیر نمایندگان نگذاشت که آنها بمقصد برسند و مردم طهران بکوری چشم دشمنان ملت یکبار دیگر ثابت کردند که حتی در خطرناکترین لحظات عنان اختیار خود را از دست نمیدهند و رشد ملی آنها بفضل آلهی بانجا رسیده که در همه حال راه را از چاه میشناسند. چنانکه نه فقط آنشب حادثه اتفاق نیفتاد بلکه روزهای بعد و مخصوصاً روز هفته شهاده که هزارها مردم در تمام طول راه طهران باین بابویه و در خود این بابویه اجتماع کرده بودند با وجود اینکه ابداً سرباز و بلیس هم وجود نداشت خون از دماغ کسی نریخت و مردم رشید طهران با این عمل خود ثابت کردند که حقاً شایسته دموکراسی و لایق حکومت مشروطه هستند و آنها که میخواهند بچنین مردمی با زور و قدری حکومت کنند باختلال مشاعر و جنون قدرت مبتلا شده اند.



آنچه بمنوان فاجعه سی ام تیر در این مختصر بیان شد در حقیقت گوشه ای از وقایع آرتوز تاریخی است و شرح و تفصیل اتفاقات آرتوز و مخصوصاً آثار و نتایج آن در یک کتاب هم نمیکند. مع ذلك برای اینکه نواقص این شرح مختصر تاحدی معلوم باشد باید چند نکته ذیل را تذکر دهد:

- ۱ - فداکاریها و شهامت و شجاعت مردم از زن و مرد و بچه و بزرگ و پیر و جوان که صدها نمونه از آن درجرا اند نقل شده و تاکنون نظائر آنرا جز در تواریخ باستانی ندیده بودیم در این مختصر گنجانده نشده.

- ۲ - ثانیاً اقدامات مهوورانه و مدبرانه حضرت آیه الله کاشانی که نهضت ملی را با شجاعت و شهامت و از خود گذشتگی بیمانندی هدایت میکردند و از ابتدای کار چندین اعلامیه صادر فرموده و مردم را بمقاومت دعوت نموده و حتی بعد از ظهر دوشنبه مصمم شده بودند که در صورت ادامه اوضاع اعلان جهاد بدهند و خود کفن پوشیده جلوصف مجاهدین بیفتند، تاریخ علیجده ای دارد که باید مستقلاً نوشته شود. شاید اگر اقدامات ایشان در تأیید نهضت ملی نبود مساعی و مجاهدت نمایندگان بهدر میرفت و یا لااقل خونریزی و اتلاف نفوس چندین برابر میشد و حکومت ظلم و جور تا مدتی هم ادامه مییافت.

- ۳ - ثالثاً اقدامات مردانه احزاب و جمعیت های متشکل بیش از آنچه تصور شود در توفیق ملت کمک کرد و ارزش تشکیلات سیاسی و احزاب در این نهضت ملی بخوبی روشن شد و هر کس بخواهد صادفانه تاریخچه انقلاب سی ام تیر را بنویسد قطعاً باید مساعی احزاب، مخصوصاً حزب زحمت کشان ملت ایران و حزب ایران و حزب مسلمانان مجاهد و کمیته جوانان بازار رحمان و اصناف بازار و بزرگترین و مؤثرترین جماعات یعنی بازار طهران را چنانکه باید شرح دهد و زحمات و فداکاریهای آنها را درست بر مردم روشن کند.

